

# mögen, möchten, wollen, werden

سلام دوستان ،

در این درس ویدیویی به افعال mögen, möchten, wollen و werden پرداخته ام.

چنانچه در رابطه با این درس سوال ، نظر یا پیشنهادی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات درج کنید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

---

## Doppelkonjunktionen

سلام دوستان

در این درس گرامری می خواهیم به حروف های ربطی بپردازیم که با یکدیگر ترکیب می شوند و در جمله مورد استفاده قرار میگیرند.

البته در دروس های گذشته ، ما entweder...oder و همچنین je...desto را داشتیم و آمدیم اینها را مورد بررسی قرار دادیم و از طرفی دیگر به مهم ترین قید ها و حروف ربط نیز پرداختیم که تمامی این سه درس را می توانید از لینک های زیر مطالعه کنید.

نگاهی به **entweder...oder** در زبان آلمانی ( [کلیک کنید](#) )

نگاهی به **je...desto** در زبان آلمانی ( [کلیک کنید](#) )

نگاهی به مهم ترین قید ها و حروف ربط در زبان آلمانی ( [کلیک کنید](#) )

اما در این درس می خواهیم به دیگر حروف ربط به پردازیم و کاربردهای آنها را نیز یاد بگیریم

### **nicht nur - sondern (... ) auch**

Wir reisen **nicht nur** nach China, **sondern** (wir reisen) **auch** nach Japan

ما فقط به کشور چین سفر نمیکنیم ، بلکه ( ما ) به ژاپن نیز ( میکنیم )

### **sowohl - als auch**

نه تنها ( این ) ... بلکه هم

Wir besichtigen **sowohl** das Schloss **als auch** den Schlosspark

ما نه تنها آن قلعه ( قصر ) را بازدید میکنیم بلکه پارک قصر را نیز ( بازدید می کنیم )

برای آگاهی بیشتر از **sowohl... als auch** و همچنین **nicht nur... sondern** این درس را مطالعه کنید ( [کلیک کنید](#) )

### **weder - noch**

نه ( این ) و نه ( آن )

Ich mag **weder** klassische Musik **noch** (interessiere ich mich für) Jazz

من نه موزیک کلاسیک را دوست دارم و نه ( برایم جالب است ) موسیقی جاز

### **zwar - aber**

در واقع خود zwar می تواند معانی : درست است که ... ، البته... هرچند که ... اگر چه را به همراه داشته باشد و aber نیز همان معنی اما و ولی

پس در نتیجه : اگرچه یا هرچند که ( اینجوری است ) ولی ... یا اما ...

Morteza isst **zwar** gerne Salat, **aber** (er isst) keine Karotten

درست است که مرتضی با علاقه و تمایل سالاد می خورد ، ولی ( او ) سیب زمینی ( نمی خورد )

**so... wie**

درست ... همانند

Er ist **so** groß **wie** ich

او درست هم قد من است

چند مثال دیگر و پایان این درس :

Ich komme **zwar** aus dem Iran, **aber** Deutschland ist mein Zuhause

اگر چه یا هرچند که من ایرانی هستم ، ولی آلمان خانه ی من است

درست است که من ایرانی هستم ولی آلمان ( همانند ) وطن یا خانه من است

Diese Möbel sind **zwar** schön, **aber** sie sind **auch** sehr teuer

درست است که این میله ها قشنگ هستند، اما آنها خیلی هم گرانند

Morteza möchte **entweder** nach Italien **oder** nach Spanien fahren

مرتضی دلش می خواهد یا به ایتالیا برود یا اینکه به اسپانیا

Aber Morteza war **weder** in Bern **noch** in Wien

ولی مرتضی نه در شهر برن بوده است و نه در شهر وین

Im Sommer macht es Spaß, **weder** Schuhe **noch** Strümpfe zu tragen

در تابستان خیلی خوش میگذره ، نه مدرسه ای و نه ( اینکه ) جورابی به پا میکنیم

**Weder** will ich schlafen **noch** bin ich müde

نه دلم می خواهد بخوابم و نه خسته هستم

**Weder** Fisch noch **Fleisch**

نه ماهی ، نه گوشت قرمز

Ich esse **weder** Obst **noch** Gemüse

من نه میوه جات میخورم و نه سبزیجات

Ich trinke **weder** Wein **noch** Bier

من نه شراب می نوشم و نه آبجو

جمله بالا دقیقاً هم معنی با جمله زیر است :

Ich trinke keinen Wein. Ich trinke kein Bier

من هیچ شرابی نمی نوشم. ( من شراب نمی نوشم ) من هیچ آبجویی نمی نوشم ( من آبجو نمی نوشم )

Ich trinke **weder** Alkohol **noch** rauche ich Zigaretten

من نه الکل می نوشم و نه سیگار میکشم

چنانچه به مثال های بالا توجه کنید پی خواهید برد که weder...noch کاملاً منفی است ، اما ما در زبان آلمانی sowohl... als auch را هم داریم که کاملاً مثبت است.

sowohl... als auch

که به معنی nicht nur... sondern auch نه تنها ( اینجوری ) .... بلکه ( اینجوری ) نیز یا اینجوری هم

Ich esse **sowohl** Obst **als auch** Gemüse, denn ich bin ein Vegetarier

من نه تنها میوه میخورم بلکه سبزیجات نیز میخورم ، چرا که من یک گیاهخوار هستم

و در حالت منفی می شود :

Ich esse **weder** Fisch **noch** Fleisch, denn ich bin ein Vegetarier

من نه ماهی میخورم و نه گوشت ، چرا که من یک گیاهخوار هستم

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

---

## پیشوندهای hin, her به همراه افعال

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به پیشوندهای her و hin که می توانند با افعال ترکیب شده و به آنها معانی تازه تری ببخشند.

قبل از هر چیز اجازه بدهید که ببینیم her و hin اصلاً به چه معنا هستند!

her می تواند دو معنی از نظر زمانی و مکانی داشته باشد

از نقطه ای به سمت گوینده – از زمان های قبل از روزگاران پیشین تا به امروز

پس می توانیم نتیجه بگیریم هم می تواند قید زمان و قید مکان باشد

hin می تواند دو معنی کاملاً متفاوت داشته باشد

از شخص گوینده به سمت دیگر ، به آن سو

پس هرگاه معانی بالا را به همراه داشته باشد hin نیز یک قید مکان می شود.

اما دیگر معانی آن به ترتیب زیر است :

فناشده ، داغان شده ، مُرده ، در گذشته ، نابود شده ، برخی اوقات ، گاه گاهی

چند مثال :

Geh du schon hinaus, ich komme gleich nach

تو برو ( به بیرون ) من هم الان میام

اینجا hin با ترکیب شدن به فعل ausgehen این معنی را به آن بخشیده که از جایی که من هستم تو برو به سمت بیرون

همچنین میدانیم که ausgehen به معنی : برای گردش از خانه بیرون رفتن ، به قصد و نیت گردش و قدم زدن از خانه به بیرون رفتن ، است.

پس نتیجه میگیریم با اضافه شدن hin به این فعل ، چنین مفهومی را به همراه دارد که از پیش من یا از سمت من تو به نیت گردش و تفریح برو بیرون ، من هم چند لحظه دیگر پشت سر تو یا به دنبال تو می آیم.

Komm sofort heraus

فوراً بیا به بیرون!

یعنی از داخل جا و مکانی به بیرون آمدن به سمت بیرون آمدن ، در بعضی موارد به سمت من گوینده آمدن

Sollen wir gemeinsam da hingehen?

می بایستی ما با یکدیگر ( باهم ) به آنجا برویم؟

در واقع hin اینجا در نقش یک پیشوند با فعل gehen ترکیب شده است و از آن یک فعل جداشدنی با مفهوم : به جایی یا مکانی

رفتن را ساخته است

Soll ich ihnen sagen, dass sie herkommen sollen?

می بایستی من به آنها بگویم که اونها می بایستی به اینجا بیایند؟

در اینجا نیز her در نقش یک پیشوند با فعل kommen ترکیب شده است و از آن یک فعل جداشدنی با مفهوم : به اینجا آمدن را ساخته است ، یعنی درست به جا و مکانی که من ایستاده ام!

البته ما پیشوند heran را نیز داریم که بد نیست در اینجا نیز به آن پردازیم

heran به این سمت ، به این سو ، به اینجا

که پس از ترکیب شدن با افعال نه تنها معنی جدید به آنها می بخشد بلکه آنها را نیز یک فعل جداشدنی میکند ، برای مثال herankommen

herankommen نزدیک شدن ، کمی نزدیک تر به سمتی یا به اینجا شدن

sie kam langsam heran

او آهسته نزدیک میشد

endlich kamen die Ferien heran

بالاخره یا سرانجام تعطیلات نزدیک شدن یا فرا رسیدند

کاربرد این پیشوند ها در اصطلاحات

hin und wieder

گاه به گاه ، اغلب ، در بعضی موارد ، گاهاً

درست معنی شبیه به zuweilen

zuweilen

بعضی از مواقع ، گاه و بیگاه ، گاه گاهی

hin und wieder bekomme ich Kopfschmerzen

گاهاً من سر درد میگیرم

یعنی در بعضی از مواقع من دچار سر درد می شوم

zuweilen bekomme ich Kopfschmerzen

گاه و بیگاه دچار سر درد می شوم

zuweilen lese ich ein Buch

گاهاً من یک کتاب میخوانم

Hin und wieder lese ich ein Buch

گاهاً من یک کتاب میخوانم

گاه و بیگاه من در حال مطالعه یک کتابی هستم!

hin und her

به اینجا و به آنجا – به این سو و آن سو

در واقع درست هم معنی با zuweilen است

hin und her laufen

بدون هدفی به این سو و آن سو بدویم

اما توجه داشته باشیم اگر her به فعل laufen بچسبید یا ترکیب شود آنگاه جمله بالا معنی دیگر میدهد

hin und herlaufen

به آنجا ( مکان معینی ) دویدن و دوباره به همین مکانی که هستیم برگردیم

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

---

## نقش hoch به همراه صفات در زبان آلمانی

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم به hoch به همراه صفت ها پردازیم.

در واقع در زبان آلمانی بعضی از صفت ها هستند که می شود به آنها با اضافه کردن hoch صفت جدیدتری ساخت ، اما ما از کجا باید درک کنیم که این صفت ها کدام صفت ها هستند؟

قبیل از پاسخ به این سوال ، من در درس گذشته گفته بودم دو راه برای بیان ( “بیشتر” ) از یک چیز وجود دارد ، مثلاً اگر بخواهیم اسم Geld را طوری بیان کنیم که یعنی ما خیلی پول داریم به سر وقت viel میرویم.

پس تا اینجا باید بدانیم که viel همواره با اسامی می آید. Ich habe viel Geld. اما برای اینکه بخواهیم مثلاً صفت müde را به طوری بیان کنیم که خیلی خسته هستیم ، آنگاه به سر وقت sehr میرویم. بنابراین اینگونه می شود که Ich bin sehr müde

هرگاه اسم داشته باشیم با viel

هرگاه صفت داشته باشیم با sehr

البته در زبان آلمانی همواره استثناء نیز وجود دارد. اما در ۹۹ درصد به همین شکل است که برایتان بیان کردم.

اما نقش hoch در اینجا چیست؟

در واقع بعضی از صفت ها هستند چنانچه می شود آنها را با sehr افزایش داد ، اما شاید بخواهیم در بالاترین سطح از آنرا بیان کنیم، اونوقت که به سر وقت hoch میرویم.

دقت کرده اید در فارسی گفته می شود او باهوش است

Er ist intelligent

او تیزهوش یا باهوش و با استعداد است

اما چنانچه بخواهیم بگوییم او خیلی باهوش است به سر وقت sehr میرویم

Er ist sehr intelligent

او خیلی باهوش یا با استعداد است

حال چنانچه بخواهیم بگوییم که او بیش از اندازه باهوش است ، آنگاه به سر وقت hoch میرویم

Er ist hochintelligent

او بیش از اندازه باهوش یا با استعداد است.

نکته گرامری : هرگاه hoch به صفت اضافه شود آنگاه باید آنها را سرهم بنویسیم

نکته : گاهی هم است که خود صفت شکل ساخته شده ای دارد ، برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید

müde خسته

Ich bin müde

من خسته هستم

Ich bin sehr müde

من خیلی خسته هستم

Ich bin übermüdet

من بیش از اندازه خسته ام

به طوری که از حال رفته ام و رمقی باقی نمانده است

پس خیلی خیلی خسته و کوفته باشیم به سر وقت übermüdet میرویم

در واقع über نیز حجم زیادی از آن صفت را به ما میدهد. صفتی که خودش در زبان آلمان شکل افزایش یافته اش وجود دارد. ولی چنانچه وجود نداشت آنگاه با hoch می توان آنرا بسازیم و بیان کنیم.

نکته : در بیشتر موارد هرگاه بتوانیم در فارسی یک صفت را با بیش از اندازه بیان کنیم ، مثلاً : بیش از اندازه باهوش ، آنگاه می توانیم به سروقت hoch برویم اما باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که خود آن صفت شکل افزایش یافته دارد یا نه؟ که در مورد müde وجود داشت übermüdet

sehr چنانچه با صفت بیاید ، در فارسی نقش ( خیلی ) را بازی میکند

hoch چنانچه با صفت ترکیب شود ، در فارسی نقش ( بیش از اندازه ) را بازی میکند

über چنانچه با صفت ترکیب شده باشد ، نقش ( خیلی خیلی و چیزی نزدیک به بیش از اندازه ) را بازی میکند.

اما گاهی ما so و zu را نیز داریم ، اینها دیگه چی میگن؟

دقت کرده اید که در فارسی گفته می شود که آن کفش زیادی تنگه و پایم را اذیت میکنه ، اینجا صفت تنگ به همراه زیادی آمده است ، این در تفکر آلمانی به این معنی است که یک چیزی درست نیست یک ایراد اساسی وجود دارد یا یک مشکل بزرگ وجود دارد. برای درک بیشتر به مثال زیر دقت کنید :

آن کفش زیادی تنگ است. ( نه تنها زیادی تنگ است بلکه اصلاً مناسب نیست یه ایراد کلی هم به همراه داره )

Die Schuhe sind mir zu klein

آن کفش ها برای من بیش از اندازه کوچک است

که در اینجا کوچک به منظور eng نیز است. یعنی آن کفش یا از جلو یا از کنارها تنگ و کوچک است و مشکل اساسی آن این است که پایم را نیز میزند

اما در فارسی گفته می شود وای اون بچه چقدر کوچولو کوچولو چه ریزه میزه است ، آنوقت در زبان آلمانی به سروقت so میرویم.

Das Baby ist so klein und so süß

آن بچه یا نوازد چقدر کوچولو کوچولو و چقدر بامزه است.

پس تفاوت zu و so در این است که zu همواره ایراد یا مشکل اساسی نیز به همراه دارد ، مانند مثال بالا که نه تنها کوچک بود بلکه تنگ هم بود و نوک پایم را نیز میزند ، اما so مقدار کوچک از یک چیز که می تواند جذاب و بامزه نیز باشد. برای مثال :

Das Haus ist so klein

آن خانه خیلی کوچک است ( که در اینجا کوچک مثبت و نقلی با حال )

Das Haus ist zu klein

آن خانه خیلی کوچک است ( کاملاً منفی و اصلاً هم مناسب نیست ، از نظر ما یک ایراد بزرگ دارد و آن هم کوچکی اش است و مناسب ما هم نیز )

مثال :

Ich bin sehr zufrieden mit Ihrer Arbeit

من خیلی از کار شما راضی هستم

توجه داشته باشیم که zufrieden خودش یک صفت هست و شکل اش به همین صورت است و به اون zu اضافه نشده است!!!!

zufrieden

راضی ، خوشنود ، خوشحال ، قانع

Die Bergtour ist mir zu anstrengend

آن کوهپیمایی ( گردش در کوه ) برای من خیلی پر زحمت یا خیلی سخت طاقت فرسا است

پس اگر دقت کنیم باز اینجا zu یعنی نه تنها سخت و طاقت فرسا بود بلکه یک مشکل بزرگ نیز برای من هست که این کوهپیمایی زیادی به روی من فشار آورده است

اما گاهی می شود sehr را نیز با صفتی که با hoch ساخته شده است ترکیب شود. برای مثال :

Sie ist sehr hochmütig

او ( مونث ) بیش از اندازه و خیلی خیلی زیاد مغرور و متکبر است ( از خود راضی هم می توان گفت )

خود hochmütig یعنی پر غرور ، بیش از اندازه از خود راضی ، حال اگر با sehr نیز بیاید ، یعنی خیلی خیلی و بیش از اندازه به طوری که فکرش هم نمی توانی بکنی طرف از خود راضی و مغرور است.

sehr همچنین می تواند با صفتی بیاید که با über ساخته شده است :

Ich bin sehr überlastet

من خسته از کار زیاد هستم

به طوری که تحت فشار کاری فراوان و طاقت فرسا نیز هستم

چند مثال دیگر و پایان این درس :

Er fährt immer mit dem Auto hochoberig

او (مذکر) همیشه با آن اتومبیل یا آن ماشین بیش از اندازه تند رانندگی میکند

Das ist eine hochkomplizierte Aufgabe

آن یک تمرین بیش از اندازه سخت و دشوار است

بیش از اندازه پیچیده و سردرگم کننده است

Ich bin sehr verschwitzt

من خیلی عرق کرده ام

به طوری که خیس عرق هستم

Morteza ist sehr humorvoll

مرتضی خیلی شوخ طبع یا خیلی خوش مشرب است

Er ist so großzügig

او ( مذکر ) بسیار بخشنده یا بسیار بزرگوار ( بسیار سخاوتمند ) است

so کاملاً مثبت و zu کاملاً منفی

Deine Leistung ist so großartig

عملکرد یا نتیجه کاری ات بسیار بی نظیر یا بسیار عالی بود

Du bist einfach zu langsam für diese Arbeit

تو برای اینکار زیادی کند هستی

کاملاً منفی به طوری که به درد اینکار نمیخوری

Die Hose ist zu kurz für mich

آن شلوار برای من زیادی کوتاه است

نه تنها کوتاه است بلکه اصلاً مناسب من هم نیست ( خلاصه ایرادش فقط کوتاهش نیست )

که جمله بالا را نیز می توانیم به شکل زیر نیز بیان کنیم

Die Hose ist mir zu kurz

آن شلوار برای من زیادی کوتاه است

آموزش رایگان زبان آلمانی - مرتضی غلام نژاد

## روزهای هفته آلمانی

سلام دوستان در این درس کوتاه می خواهیم با هم روزهای هفته در زبان آلمانی را به کمک یکدیگر یاد بگیریم.

---

der Wochentag

روز هفته

die Wochentage

روزهای هفته

همچنین نزدیک به این دو اسم ما اسامی زیر را نیز داریم

die Wochentags, Werktags که هر دو اسم جمع هستند و حرف تعریف آنها die

روزهای هفته die Wochentags

روزهای کاری die Werktags

---

اما به آخر هفته می گوئیم : das Wochenende

چرا حرف تعریف آن das شد؟ به خاطر وجود Ende هست که حرف تعریفش das می باشد.

در زبان آلمانی هرگاه ما اسم مرکب بسازیم ، آنگاه آرتیکل اسم دوم ما ، می شود آرتیکل اسم مرکب جدیدی که ساختیم.

ما همچنین می توانیم بگوییم : am Wochenende یعنی در آخر هفته و یا اینکه بگوییم am Wochenenden در آخر هفته ها

Am Wochenenden spiele ich Fußball

در آخر هفته ها من فوتبال بازی میکنم

---

اما قبل از یادگیری روزهای هفته بهتر است بدانید که حرف تعریف تمام روزهای هفته der است برای اینکه تمامی روزهای هفته به جز چهارشنبه به اسم Tag ختم می شود و Tag یک اسم مذکر است و حرف تعریف آن der می باشد.

اما نکته بعدی که باید به آن توجه کنید حرف اضافه روز در زبان آلمانی همیشه am است ، یعنی ما در فارسی می گوییم ( در روز شنبه ) و این ( در ) ما به زبان آلمانی am است.

der Montag - am Montag

روز دوشنبه ، در روز دوشنبه

der Dienstag - am Dienstag

روز سه شنبه ، در روز سه شنبه

der Mittwoch - am Mittwoch

روز چهارشنبه ، در روز چهارشنبه

der Donnerstag - am Donnerstag

روز پنج شنبه - در روز پنج شنبه

der Freitag - am Freitag

روز جمعه ، در روز جمعه

der Samstag - am Samstag

روز شنبه ، در روز شنبه

der Sonntag - am Sonntag

روز یک شنبه ، در روز یک شنبه

---

خب دوستان ، حال که با روزهای هفته در زبان آلمانی آشنا شدیم بهتر است با اوقات روز نیز آشنا شویم. اما قبل از آشنا شدن اجازه بدید یاد بگیریم که حرف تعریف تمام اوقات روز به جز شب der می باشد.

der Morgen

صبح

der Mittag

ظهر

der Vormittag

قبل از ظهر

der Nachmittag

کمی بعد از ظهر

der Abend

بعدازظهر یا عصر

die Nacht

شب

---

حال که با این اسامی آشنا شدیم در آخر خوب است که بدانیم ما می توانیم از این اسامی که یاد گرفتیم به شکل زیر نیز استفاده کنیم :

am Montag Abend

در دوشنبه سر شب یا در دوشنبه عصر

der Samstag Nachmittag

شنبه کمی بعد از ظهر

و برای باقی نیز به همین صورت <sup>۴</sup>

---

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de